معرفی کتاب

"معلم فراری"

*مریم بدر رجایی

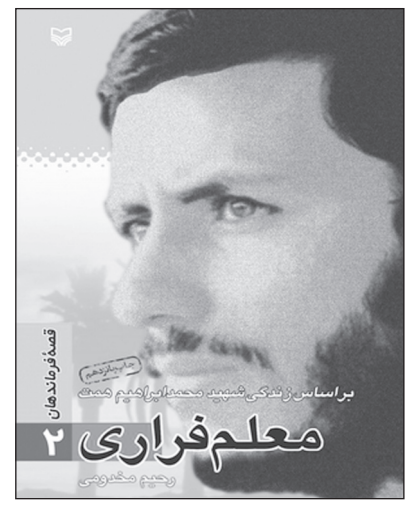

کتاب معلم فراری براساس زندگی شهید ابراهیم همت از دومین کتاب‌های سری قصه فرماندهان به قلم رحیم مخدومی توسط نشر سوره مهر چاپ شده و تا کنون بیش از یک و نیم میلیون نسخه به فروش رفته است.

۱۷ اسفند سالگرد شهادت شهید ابراهیم همت، فرمانده لشکر محمد رسول‌الله است. معلم فراری شامل در ۸۰ صفحه و ۹ فصل گردآوری شده است.

فصل اول کتاب به نام "یک جور زندگی" این چنین شروع می‌شود:

"یک سنگ را بردار و داخل آب لجن بینداز. لحظه‌ای بعد، آن را بردار و پس از شست وشو تماشایش کن. چه حالی دارد؟ سنگ را می‌گویم. خوشحال است؟ ناراحت است؟ می‌خندد؟ اخم می‌کند؟... چه کار می‌کند؟ یک شیشه گلاب یا عطر خوشبو روی آن بریز. باز هم تماشایش کن. حالا چه حالی دارد؟ اصلا او را بزن، نوازشش کن، بر سرش داد بکش، رویش را ببوس، نفرینش کن و تا مدتها با او قهر باش. آنگاه خوب تماشایش کن. ببین چه تغییری می‌کند...

معلوم است که هیچ. به قول بزرگ‌ترها: اصلا ککش هم نمی‌گزد. حالا همین رفتار را با یک آدم انجام بده؛ البته نه همه‌اش را. فقط رفتار بی‌دردسر را می‌گویم. مثلا به پیراهن دوستت عطر بزن. آنگاه لبخند و تشکر او را ببین. یا مدتی با او قهر باش. آنگاه ناراحتی و دلخوری‌اش را تماشا کن.وقتی می‌خواهی نماز بخوانی، برادر یا خواهر کوچکت یا هر بچه کوچکی را بیاور تا نماز خواندن تو را تماشا کند.لحظه‌ای بعد، او هم مثل تو نماز خواهد خواند.

اینها را نوشتم که بگوییم آدمها با سنگ خیلی فرق دارند. اصلا آدمها با همه چیز فرق دارند. آدمها فقط مثل خودشانند؛ مثل آدم. اما آدمها جورواجور هستند، با دلهایی جورواجور، بعضی دلها کوچک است، بعضیها متوسط، بعضیها بزرگ. بعضی دلها فقط بدی را در خود جا می‌دهند؛ بعضیها، هم بدی و هم خوبی را و بعضیها فقط خوبی را. بعضی دلهای کوچک در وجود هیکلهای درشت جا خوش می‌کنند؛ درحالی که در وجود یک پشه هم جا می‌شوند. بعضی دلهای بزرگ، خودشان را زورکی در وجود یک آدم لاغر و ضعیف و قلمی جا می‌کنند؛ درحالیکه روی کوهها و تمام اقیانوسها و در آسمانها هم جا نمی‌شوند. خلاصه، دنیای جورواجور، دلها و آدمهای جورواجور دارد؛ آن هم دلهایی که فقط در وجود آدمهاست. یعنی فقط آدمها هستند که دل دارند. نه سنگها ونه حیوانات و نه هیچ موجود دیگر، هیچ کدام دل ندارند.

آدمها، جورواجور فکر می‌کنند، جورواجور زندگی می‌کنند. و جورواجور می‌میرند.

مثلا یک جور مادرها هستند که وقتی می‌خواهند بچه به دنیا بیاورند، فقط به جسم خود و بچه‌شان اهمیت می‌دهند. اما یک جور دیگر از مادرها، به فکر خود و بچه‌شان اهمیت میدهند. مادرهای جور اول خوب می‌خورند، خوب می‌نوشند و برای اینکه بچه‌شان چاق وچله و سرخ و سفید و تپل مپل شود، روزی چند کیلو انار سرخ و آبدار نوش جان می‌کنند.

***همان جا بود که غم عالم در دل ننه نصرت سنگینی کرد. او با دل شکسته رفت به زیارت قبر آقا امام حسین(ع) و با گریه و زاری گفت: «آقا، بچه‌ام تقصیری ندارد. این من بودم که به عشق تو سر از پا نشناخته پا در جاده خطر گذاشتم. اگر قرار است بچه‌ام به خاطر عشق من بمیرد.چه بهتر که من همراه او بمیرم**

سرانجام پس از نه ماه و نه روز و نه ساعت انتظار، یک بچه ترگل و ورگل به دنیا می‌آید که اگر قایم فوتش کنی، سرما می‌خورد و اگر بلند عطسه کنی، پرده گوشش پاره می‌شود. بزرگ کردن این جور بچه‌ها، کار سختی نیست. فقط باید از خوردنیهای دنیا سیرشان کنی؛ همین!

اما مادرهای جور دوم آنقدر فکر می‌کنند که گاهی خوردن یادشان می‌رود. اصلا یادشان می‌رود که نباید کارهای سنگین کنند، نباید غصه زیادی بخورند،مسافرتهای سخت و طولانی بروند. نمونه‌اش «ننه نصرت که بچه‌ای در شکم داشت. یک روز شوهرش (مشهدی)علی اکبر» گفت: «می خواهم بروم کربلا. دلم برای زیارت قبر آقا امام حسین(ع) پر می‌کشد.»

وقتی اسم کربلا و امام حسین(ع) به گوش ننه نصرت خورد، دلش مثل پرنده‌ای شد که در قفس زندانی‌اش کرده‌اند. پایش را کرد توی یک کفش که الا و بالله من هم باید با تو همراه شوم.

این قصه برای سال هزار و سیصد و سی و چهار است آن سالها، مسافرت مثل حالا آسان نبود؛ آن هم برای زنی که یک بچه در شکم داشت. اما از قدیم می‌گفتند عشق به میان آید، عقل راهش را می‌کشد و می‌رود.ننه نصرت عاشق بود. او سختی راه را به همراه مشهدی علی اکبر تحمل کرد؛ اما وقتی به کربلا رسید، بیماری او را ازپا انداخت و تازه متوجه شد که چه کار خطرناکی انجام داده است.

پزشکها پس از معاینه سری تکان داده، گفتند: بچه زنده نمی‌ماند.همین حالا هم شاید مرده باشد. بهتر است به فکر نجات مادر بچه باشیم...

پزشکها برای ننه نصرت دارو نوشتند. آنها حرف از مرگ بچه می‌زدند و به فکر نجات جان ننه نصرت بودند؛ اما ننه نصرت به فکر خودش نبود. او برای نجات جان بچه فکر می‌کرد.

خلاصه، همان جا بود که غم عالم در دل ننه نصرت سنگینی کرد. او با دل شکسته رفت به زیارت قبر آقا امام حسین(ع) و با گریه و زاری گفت: «آقا، بچه‌ام تقصیری ندارد. این من بودم که به عشق تو سر از پا نشناخته پا در جاده خطر گذاشتم. اگر قرار است بچه‌ام به خاطر عشق من بمیرد.چه بهتر که من همراه او بمیرم.

ننه نصرت با چشمانی پر از اشک و با دلی پر از غم به خواب رفت.در خواب، بانوی بزرگواری به سراغش آمد، نوزاد پسری به آغوش ننه نصرت داد و به او الهام کرد که اسمش را محمد ابراهیم بگذارد.

ننه نصرت وقتی از خواب برخواست،اثری از درد و بیماری در خود ندید. باز هم نزد پزشکها رفت.آنها پس از معاینه، انگشت به دهان ماندند.

محمد ابراهیم همت، در سال ۱۳۳۴ در شهر قمشه اصفهان به دنیا آمد؛ درحالیکه پیش از تولد ننه نصرت و مشهدی علی اکبر،عشق امام حسین(ع)را در دلش جا داده بودند.

***حاج همت پس از ۲۸ سال زندگی الهی، پس از ۲۸ سال عشق به امام حسین(ع) مثل یاران امام حسین تا آخرین نفس جنگید و مثل آنان مردانه به شهادت رسید. جزیره مجنون در اسفند سال ۱۳۶۲ و در عملیات خیبر به خون سرخ او رنگین شد و نام سردار بزرگ خیبر: «شهید حاج محمد ابراهیم همت» را برای همیشه در دلها جاودانه کرد»**

یک جور پدر و مادرها، امام حسین(ع) را در دل بچه‌هایشان جا می‌دهند. این جور بچه‌ها اگر در در طول زندگی با عشق امام حسین(ع)زندگی کنند، اگر اجازه ندهند شمر به دلشان راه پیدا کند، آن وقت مثل یاران امام حسین(ع) زندگی می‌کنند. مثل یاران او، با ظلم می‌جنگند، از مظلوم دفاع می‌کنند و در راه خدا به شهادت می‌رسند؛ درست مثل محمد ابراهیم همت.

محمد ابراهیم در دنیای کودکی وقتی می‌دید پدر و مادرش رو به قبله می‌ایستند و نماز می‌خوانند؟ او هم تنها نماز می‌خواند سوره‌های کوچک قرآن را حفظ می‌کرد و روزه کله گنجشکی می‌گرفت.

کمی بزرگتر که شد، علاوه بر درس خواندن، گاهی درکار کشاورزی به پدرش کمک می‌کرد و گاهی در مغازه شاگردی می‌پرداخت. او در دانشسرای تربیت معلم ادامه تحصیل داده به خدمت زیر پرچم فراخوانده شد. روزهای سربازی، روزهای سرنوشت‌ساز برای او بود، هم تلخ تلخ بود و هم شیرین شیرین، یکی از دست‌نشاندگان شاه به نام «سرلشکر ناجی، فرماندهی لشکر توپخانه اصفهان را برعهده داشت محمد ابراهیم هم مسئول آشپزخانه همین لشکر بود. شرح برخورد این دو، داستانی است که در همین کتاب آمده محمد ابراهیم، از این برخورد، هم به تلخی یاد می‌کرد و هم به شیرینی.

خلاصه، دوران خدمت سربازی سر آمد؛ درحالیکه محمدابراهیم آگاه‌تر از قبل شده بود. او، هم شاه را شناخته بود و هم دست‌نشاندگان شاه را، هم امام و هم یاران امام را از آن پس، او علاوه بر معلمی در روستا، در سطح شهر به روشنگری مردم می‌پرداخت. یک روز خبر آوردند که محمد ابراهیم یک گونی پر از اعلامیه از قم آورده سر لشکر ناجی، دستور دستگیری او را داد، اما او هیچ‌گاه به دام نیفتاد.

یک روز خبر آوردند که محمد ابراهیم مجسمه شاه را از میدان شهر پایین کشیده. سرلشکر ناجی، دستور تیرباران او را داد؛ اما محمد ابراهیم از چنگ مأموران شاه گریخت برای ادامه مبارزه به شهرهای دیگر رفت. از شهری به شهری می‌رفت و به تبلیغ نهضت امام خمینی و آگاهی دادن به مردم می‌پرداخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او کمر همت بست تا بیش از پیش به مبارزه علیه ظالم و دفاع از حق مظلوم بپردازد.

وقتی شنید ضد انقلاب در شهرهای کردنشین دست به جنایت زده است، به آنجا رفت و به مبارزه پرداخت. چون از خود لیاقت نشان داد، به فرماندهی سپاه پاسداران پاوه منصوب شد.

محمد ابراهیم همت در سن ۲۶ سالگی به سفر حج رفت و از آن پس «حاج همت» لقب گرفت. حاج همت در چند عملیات، ضربات سختی به دشمنان اسلام وارد ساخت و در مدت زمانی کم به یکی از سرداران بزرگ جنگ تبدیل شد.

او ابتدا به معاونت تیپ محمد رسول‌الله (ص) و سپس فرماندهی همین تیپ – که دیگر به لشکر تبدیل شد.

حاج همت، یک سرلشکر بود؛ اما نه مثل سرلشکرناجی؛ چرا که سرلشکرها هم جورواجورند، حاج همت پس از ۲۸ سال زندگی الهی، پس از ۲۸ سال عشق به امام حسین(ع) مثل یاران امام حسین تا آخرین نفس جنگید. و مثل آنان مردانه به شهادت رسید.

جزیره مجنون در اسفند سال ۱۳۶۲ و در عملیات خیبر به خون سرخ او رنگین شد و نام سردار بزرگ خیبر: «شهید حاج محمد ابراهیم همت» را برای همیشه در دلها جاودانه کرد.»

به یاد شهید احمد قنادان‌زاده

سگهای هار

"احمد هنوز می‌خندد" عنوان یکی از یادداشتهای دکتر رحیم قمیشی آزاده دلاوری که در کربلای ۴ به اسارت رفت را امروز دوباره خواندم و خیلی اشک ریختم. رفتم به حال و هوای جنگ و نامردی‌ها و وحشی‌گری‌هایش. درباره یکی از شهدای اهواز است. این تنها گزیده‌ایست از آن یادداشت.

"احمد رفته بود مرخصی که فردایش بیاید...

اول صبح یکی از عرب‌های محلی خودش را رسانده بود به مقر که بیایید ببینید جنازه از شما نیست؟!!

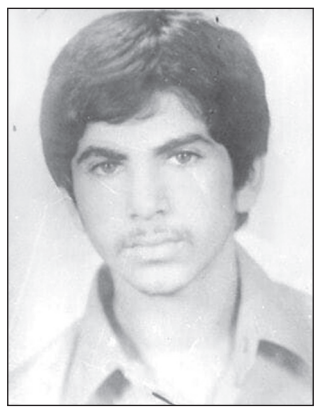

رضا نیله‌چی با دو سه نفر رفتند، نکند احمد باشد!

که بود!!

جنازه به سختی شناسایی می‌شد. سگ‌های وحشی تکه‌تکه‌اش کرده بودند. کنار درخت نخلی پیکر احمد افتاده بود. ترکشی هم خورده بود. اما نفهمیدیم با ترکش شهید شده بود، یا با حمله سگ‌های هاری که بوی خون مست‌شان کرده بود...

فقط رضا تعریف کرد روی تنه درخت اثر خون بود...

انگار احمد می‌خواسته از دست سگ‌ها فرار کند.

و نتوانسته بود.

حالا پیکر تکه‌تکه‌اش که حتی نمی‌شد به اهواز انتقالش داد، در همان آبادانِ در محاصره، غریبانه دفن شد. نه پدرش بود، نه مادرش، نه برادرش، نه خواهرش...

حالا جوان‌ها مسخره‌مان می‌کنند. به ما لبخند می‌زنند. چه می‌دانند چه دادیم تا بعضی چه شوند...

چه می‌دانند سگ‌های هار وقتی بوی خون حس کنند چه می‌شوند.

چه می‌دانند تنهایی توی تاریکی، بین نخل‌های آبادان، ترکش یعنی چه؟

چه می‌دانند بچه خجالتی وسط سگ‌های هار یعنی چه؟

چه می‌دانند نشود جنازه را تا اهواز برد یعنی چه...

حالا هنوز توی آرامگاه ذوالفقاری آبادان یک قبر غریب هست، احمد قنادان‌زاده".

... و حالا من مانده‌ام،

ما مانده‌ایم

و شاید درمانده‌ایم که با سگهای هارِ این روزها و دزدی‌هایشان از جیب مردم چه باید کرد.

باز یاد رضا نیله‌چی افتادم و یاد سعید دُرفشان که موقع دفنش در بهشت‌آباد اهواز وقتی چشمم به محل تیر روی پیشانی‌اش افتاد رو برگرداندم و شانه‌ای مهربان‌تر از رضا نیله‌چی پیدا نکردم و حسابی دلم رو خالی کردم.

یکی از روزهای اول سال ۱۳۶۱ بود.

هر دو بعد از عملیات طریق‌القدس به همراه چند تا دیگه از بچه‌های مسجد جزایری اهواز آمدند مشهد برای زیارت و مستقر شدند در خانه ما.

دفعه بعد رضا رو در یکی از شبهای عملیات بیت‌المقدس و روی برانکارد دیدم. ما رو به جلو می‌رفتیم و او به سمت عقب. تیر به شکمش خورده بود و می‌پیچید از درد. صورتش رو بوسیدم

***حالا جوان‌ها مسخره‌مان می‌کنند. به ما لبخند می‌زنند. چه می‌دانند چه دادیم تا بعضی چه شوند... چه می‌دانند سگ‌های هار وقتی بوی خون حس کنند چه می‌شوند. چه می‌دانند تنهایی توی تاریکی، بین نخل‌های آبادان، ترکش یعنی چه. چه می‌دانند بچه خجالتی وسط سگ‌های هار یعنی چه؟ چه می‌دانند نشود جنازه را تا اهواز برد یعنی چه؟...**

و خداحافظی کردم به این امید که دوباره ببینمش که شکر خدا دیدمش.

مادر و همسرم از یک نگاه هردو شهیدپرور هستند.

چقدر شهید آمده‌اند به خانه ما و این دو بزرگوار پذیرایشان بوده‌اند؛ شهدایی مثل سعید درفشان، حسین بسطامی، نعمت ربیعی و یک عالمه جانباز.

حمید قدوسی- انگلستان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۳۰۵۵۰۰۰۱۲۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرلنگه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یوسف مقیمی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۱۸۲ صادره از بندرلنگه شش‌دانگ یکباب انبار به مساحت ۲۸۱/۲۰ (دویست و هشتاد و یک متر و بیست دسی‌مترمربع) در قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲۸۴۸ اصلی واقع در کوی سبعه‌ای بخش ۲۴ حوزه ثبت ملک بندرلنگه خریداری از مالکین رسمی آقای عبدالرحیم انصاری و بانوان امهانی و فاطمه گل انصاری و خانم عایشه احمدی اوزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

صادق خواجه‌بهرامی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۲۳۰۵۵۰۰۰۱۲۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندرلنگه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد مقیمی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۱۱۵ صادره از بندرلنگه شش‌دانگ یکباب انبار به مساحت ۲۸۶/۰۸ (دویست و هشتاد و شش متر و هشت دسی‌مترمربع) در قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲۸۴۸ اصلی واقع در کوی سبعه‌ای بخش ۲۴ حوزه ثبت ملک بندرلنگه خریداری از مالک رسمی آقای عبدالرحیم انصاری و خانمها فاطمه گل و امهانی انصاری و عایشه احمدی اوزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

صادق خواجه‌بهرامی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای — نوبت دوم

شهرداری کاکی بعنوان دستگاه مناقصه گذار به آدرس استان بوشهر ، شهر کاکی ، بلوار ولیعصر ، تقاطع خیابان شهرداری در نظر دارد مناقصه عمومی پروژه با مشخصات ذیل را از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام دهد . متقاضیان می توانند در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه را محقق نمایند.

عنوان پروژه	محل اجرا	محل اعتبار	مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه	مبلغ برآورد	شرح مختصر عملیات	فهرست بها	رشته و رتبه مورد نیاز
بهسازی گلزار شهدای گمنام	شهر کاکی	تملک دارائیهای سرمایه ای	۲۲۰۴۵۰۰۰۰	۴۴۰۸۹۲۶۱۹۸	تخریب ، خاکبرداری، اجرای فنداسیون، اجرای اسکلت بتنی ، نماکاری، اجرای کفپوش پیش ساخته طبق نقشه و مشخصات.	ابنیه و تاسیسات برقی سال ۹۹	ابنیه ، پایه ۵

*مهلت فروش اسناد مناقصه : از تاریخ ۹۹/۱۲/۲۳ لغایت پایان وقت اداری مورخه ۹۹/۱۲/۲۷ . * مهلت تحویل اسناد مناقصه : از تاریخ ۹۹/۱۲/۲۸ لغایت پایان وقت اداری ۱۴۰۰/۱/۱۴ . *تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادات : ساعت ۹ صبح مورخه ۱۴۰۰/۱/۱۵ . *تاریخ اعتبار پیشنهادات : تا پایان وقت اداری مورخه ۱۴۰۰/۲/۱۵ *محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه : سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد). *هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است . *سایر اطلاعات مورد نیاز ، در اسناد مناقصه موجود می باشد . *متقاضیان جهت دریافت اطلاعات بیشتر می توانند در ساعات اداری با شماره تلفن ۳۵۳۱۲۲۳۸ ـ ۰۷۷ و ۳۵۳۱۴۶۹۵ ـ ۰۷۷ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شهرداری کاکی

فراخوان برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای — نوبت دوم
خرید و اجرای عایق پیش ساخته رطوبتی به شماره ۹۹/۱۷

اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران

اداره کل نوسازی ، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران در نظر دارد با رعایت قانون برگزاری مناقصات و آئین نامه های اجرائی مربوطه، مناقصه دو مرحله ای خرید و اجرای عایق پیش ساخته رطوبتی مورد نیاز خود از محل اعتبارات تملک دارائیهای سرمایه‌ای (اسناد خزانه اسلامی با سررسید سه ساله"۱۴۰۲") جهت استفاده در مراکز آموزشی سطح استان از تولید و تامین کنندگان ذیصلاح را برگزارنماید. لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط که امکانات لازم و صلاحیت و سوابق اجرائی و تخصصی مورد بحث را دارا میباشند دعوت بعمل می آید با توجه به توضیحات ذیل و شرایط عمومی و اختصاصی مندرج در اسناد اقدام نمایند. توضیح اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی، تحویل اسناد و مدارک، ارسال دعوتنامه، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد ایران)به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی شرکت و صاحبان امضای مجاز را تواماً جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	عنوان پروژه	مشخصات	محل اجرا	محل تامین اعتبار	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	تهیه و اجرای عایق پیش ساخته رطوبتی(ایزوگام) استاندارد مطابق مشخصات فنی	تحویل و اجرا عایق پیش ساخته (ایزوگام) در مدارس سطح استان تهران مطابق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه	سطح استان تهران	اعتبار تامین قیر دریافتی از محل بند"ز" تبصره یک قانون بودجه سال۹۹	۲/۳۷۰/۷۵۰/۰۰۰

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : مطابق مبلغ ذکر شده فوق که به صورت ضمانتنامه بانکی به نفع کارفرما یا اوراق مشارکت بی نام تضمین شده بانکها و دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید می باشد.

توضیحات :

۱. موعد دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه حداکثر تا ۵ روز پس از انتشار این آگهی میباشد.
۲. مهلت دانلود و دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه مناقصه عمومی: ساعت ۱۴ روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/ ۲۸
۳. مهلت تکمیل و ارائه و ارسال پاسخ مناقصه عمومی : ساعت ۱۴ روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/ ۱۶
۴. تاریخ بازگشائی مرحله اول پاکتهای مناقصه : ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/ ۱۷
۵. با توجه به دو مرحله ای بودن مناقصه، ابتدا اسناد ارزیابی کیفی در کمیته فنی بازرگانی اداره کل بررسی و پس از تایید ارزیابی کیفی فنی بازرگانی نمونه ارسالی توسط آزمایشگاه، در صورت کسب حد نصاب امتیاز قابل قبول تعیین شده در اسناد مناقصه، پیشنهاد قیمت ارسالی بازگشایی خواهد شد.
۶. این آگهی در سایت سازمان نوسازی به نشانی www.dresteh.ir نیز قابل رویت میباشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس : تهران - بالاتر از میدان ونک - خیابان شهید خلیل زاده - اداره کل نوسازی مدارس استان تهران - واحد قراردادها و تلفن ۸۸۷۷۹۵۱۰-۱
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز ۴۱۹۳۴

اداره کل نوسازی مدارس استان تهران

فراخوان برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای — نوبت دوم
تهیه و اجرای آسفالت استاندارد به شماره ۹۹/۱۸

اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران

اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان تهران در نظر دارد با رعایت قانون برگزاری مناقصات و آئین نامه های اجرائی مربوطه، مناقصه دو مرحله ای تهیه و اجرای آسفالت مورد نیاز خود از محل اعتبارات تملک دارائیهای سرمایه‌ای (اسناد خزانه اسلامی با سررسید سه ساله"۱۴۰۲") جهت استفاده در مراکز آموزشی و پرورشی سطح استان از تولید و تامین کنندگان قیر ذیصلاح را برگزار نماید. لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط که امکانات لازم و صلاحیت و سوابق اجرائی و تخصصی مورد نیاز را دارا میباشند (داشتن صلاحیت اجرای آسفالت و اکیپهای اجرایی مجرب الزامی است) دعوت بعمل می آید با توجه به توضیحات ذیل و شرایط عمومی و اختصاصی مندرج در اسناد اقدام نمایند. توضیح اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی، تحویل اسناد و مدارک، ارسال دعوتنامه، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد ایران)به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی شرکت و صاحبان امضای مجاز را تواماً جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	عنوان پروژه	مشخصات	محل اجرا	محل تامین اعتبار	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)
۱	تهیه و اجرای آسفالت استاندارد مطابق مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه	تهیه، تحویل و اجرای آسفالت استاندارد محوطه فضاهای آموزشی و پرورشی و دانشگاه فرهنگیان سطح استان تهران	سطح استان تهران	سهمیه دریافتی از محل بند"ز"تبصره یک قانون بودجه سال۹۹	۵/۵۳۱/۷۵۰/۰۰۰

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : مطابق مبلغ ذکر شده فوق که به صورت ضمانتنامه بانکی به نفع کارفرما یا اوراق مشارکت بی نام تضمین شده بانکها و دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید می باشد.

توضیحات :

۱. موعد دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه حداکثر تا ۴ روز پس از انتشار این آگهی میباشد.
۲. مهلت دانلود و دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه مناقصه عمومی : ساعت ۱۴ روز پنج شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۸
۳. مهلت تکمیل و ارائه و ارسال پاسخ مناقصه عمومی : ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۶
۴. تاریخ بازگشائی مرحله اول پاکتهای مناقصه : ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۷
۵. با توجه به دو مرحله ای بودن مناقصه، ابتدا اسناد ارزیابی کیفی در کمیته فنی بازرگانی اداره کل بررسی و پس از تایید ارزیابی کیفی و فنی بازرگانی نمونه ارسالی توسط آزمایشگاه، در صورت کسب حد نصاب امتیاز قابل قبول تعیین شده در اسناد مناقصه، پیشنهاد قیمت ارسالی بازگشایی خواهد شد.
۶. این آگهی در سایت سازمان نوسازی به نشانی www.dresteh.ir نیز قابل رویت میباشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : آدرس : تهران - بالاتر از میدان ونک - خیابان شهید خلیل زاده - اداره کل نوسازی مدارس استان تهران - واحد قراردادها و تلفن ۸۸۷۷۹۵۱۰-۱
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه مرکز ۴۱۹۳۴

اداره کل نوسازی مدارس استان تهران